Tarikh Islam dar Ayene-ye Pazhuhesh **2026, Vol. 23, No.1, p 85-106**

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

doi 10.22034/tarikh.2026.5002457

dor 20.1001.1.24234028.1405.23.1.5.9

The Governance of the Prophetic State over the Bayt al-Mal*

✍ **Seyed Javad Mirzazadeh Qaşşab-Kalai** / Assistant Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute mirzazadeh@iki.ac.ir
Seyed Mohammad Kazem Rajaii Ramseh / Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute rajaii@iki.ac.ir
Seyed Mohammad Ali Mousavi / Assistant Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute m.a.mousavi@iki.ac.ir
Received: 2025/08/19 - **Accepted**: 2026/01/06

Abstract

Today, in the budgeting process, achieving an appropriate governance model has become a serious concern and issue. The experience of the Prophetic model in the Bayt al-Mal budget and the Prophet's style of governance points to an advanced and efficient example and method. The findings of this article, conducted using a descriptive-analytical method and historical study, with a new reading of the budgeting system of the Prophetic state, show that—given the political economy context governing the Bayt al-Mal budget—the Prophet created a cultural environment for engaging with the Bayt al-Mal and interacting with the state. By establishing a system of benefit-sharing and enacting anti-monopoly laws, encouraging public participation in management, oversight, and expenditure, properly managing budget stakeholders, supervising and auditing agents and Bayt al-Mal assets, ensuring transparency and honesty in reporting, and practicing moderation in spending, he was able to manage the Bayt al-Mal budget in a governmental-popular, efficient, and effective manner, while reducing its social and economic costs to the lowest possible level.

Keywords: Prophetic economic conduct, governance, Bayt al-Mal, political economy, stakeholders.

---

* This article was extracted from the research project "The Fiscal and Budgeting System of the Prophetic State" at the Qadr Applied Research Center.

تاریخ اسلام در آینه پژوهش ——— سال بیست و سوم، شماره اول، پیاپی ۶۰، بهار و تابستان ۱۴۰۵، ص ۸۵ـ۱۰۶
https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0
doi 10.22034/tarikh.2026.5002457
dor 20.1001.1.24234028.1405.23.1.5.9

حکمرانی دولت نبوی بر بیت‌المال*

سیدجواد میرزازاده قصابکلایی / استادیار گروه اقتصاد مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ؒ mirzazadeh@iki.ac.ir
سیدمحمدکاظم رجایی رامشه / استاد گروه اقتصاد مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ؒ rajaii@iki.ac.ir
سیدمحمدعلی موسوی / استادیار گروه اقتصاد مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ؒ m.a.mousavi@iki.ac.ir
دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ – **پذیرش:** ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

چکیده

امروزه در فرایند بودجه‌ریزی، دستیابی به شیوه حکمرانی مطلوب به یک مسئله و دغدغهٔ جدی بدل شده است. تجربهٔ الگوی نبوی در بودجهٔ بیت‌المال و شیوه حکمرانی ایشان حکایت از نمونه و شیوه‌ای مترقی و کارآمد دارد. یافته‌های این مقاله که با روش توصیفی ـ تحلیلی و مطالعه تاریخی و با خوانشی نو از نظام بودجه‌ریزی دولت نبوی انجام گرفته است، نشان می‌دهد، با توجه به فضای اقتصاد سیاسی حاکم بر بودجهٔ بیت‌المال، رسول خداﷺ بستر فرهنگی مواجهه با بیت‌المال و تعامل با دولت را ایجاد نمودند و با پایه‌گذاری نظام سهم‌بری و وضع قوانین ضدانحصاری، مشارکت‌طلبی از مردم در مدیریت، نظارت و نحوه هزینه‌کرد، مدیریت صحیح ذی‌نفعان بودجه، نظارت و حسابرسی کارگزاران و اموال بیت‌المال، شفافیت و صداقت در گزارش‌دهی و میانه‌روی در هزینه‌کرد، توانستند بودجه بیت‌المال را با شیوه‌ای دولتی ـ مردمی، شایسته، کارا و اثربخش مدیریت نموده و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی آن را به کمترین میزان کاهش دهند.

کلیدواژه‌ها: سیرهٔ اقتصادی نبوی، حکمرانی، بیت‌المال، اقتصاد سیاسی، ذی‌نفعان.

* این مقاله از طرح پژوهشی «نظام مالیه و بودجه‌ریزی دولت نبوی» در مرکز پژوهشی کاربردی قدر استخراج شده است.

مقدمه

اداره و توزیع اموال عمومی همواره یکی از بنیادی‌ترین کارکردهای حکومت‌ها و یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بروز قدرت و مشروعیت سیاسی بوده است. شیوه گردآوری و تخصیص منابع مشترک، نه‌تنها بیانگر اولویت‌های حاکمیت، بلکه بازتاب‌دهندهٔ روابط قدرت، الگوهای حکمرانی و مناسبات اجتماعی هر دوره تاریخی است. ازاین‌رو بررسی نحوهٔ ادارهٔ اموال عمومی در دولت‌های پیشامدرن، امکان فهم عمیق‌تری از منطق حکمرانی و ساختار سیاسی آنها فراهم می‌سازد.

با بعثت پیامبر اکرمﷺ و تشکیل دولت اسلامی در مدینه، الگوی تازه‌ای از حکمرانی مالی پدید آمد که در آن، منابعی چون غنائم، صدقات، فیء و جزیه به‌عنوان اموالی عمومی و متعلق به جامعهٔ اسلامی تعریف شدند. این تحول در بستری رخ داد که جامعهٔ عرب پیش از اسلام با مفهوم نهادی «مال عمومی» بیگانه بود و تخصیص منابع عمدتاً بر اساس منطق قبیله‌ای و قدرت صورت می‌گرفت. ازاین‌رو شکل‌گیری بیت‌المال را باید بخشی از فرایند بازتعریف مناسبات سیاسی، اجتماعی و مالی در حکمرانی نبوی دانست.

در تحلیل این تجربهٔ تاریخی، بهره‌گیری از مفاهیم معاصر می‌تواند به فهم نظام‌مندتر داده‌ها کمک کند. در ادبیات جدید، «بودجه» به‌عنوان برایند فرایند بودجه‌ریزی، برنامه‌ای کمّی برای یک دورهٔ زمانی معین است که منابع و مصارف را دربر می‌گیرد.[1] ازآنجاکه بودجه نحوه توزیع منابع عمومی میان افراد و گروه‌های مختلف را تعیین می‌کند، همواره یکی از کانون‌های تلاقی اقتصاد و سیاست به‌شمار آمده و بازتاب‌دهنده منافع و اولویت‌های بازیگران اجتماعی و سیاسی است.[2] برهمین‌اساس، ادبیات اقتصاد سیاسی بودجه به بررسی چگونگی کنش و تعامل ذی‌نفعان در فرایند تخصیص منابع می‌پردازد.

اگرچه در دولت نبوی، بودجه و بودجه‌ریزی به‌معنای فنی و مدرن آن وجود نداشت، اما شواهد تاریخی از وجود نظامی منسجم برای مدیریت درآمدها و هزینه‌های عمومی حکایت دارد. این نظام، متناسب با اهداف دینی، نظامی و اجتماعی دولت نبوی عمل می‌کرد و مستلزم مدیریت انتظارات، تعارض‌ها و سهم‌خواهی‌های اجتماعی بود. ازاین‌رو بررسی حکمرانی پیامبرﷺ بر بیت‌المال با رویکردی تاریخی و با بهره‌گیری سنجیده از مفاهیم اقتصاد سیاسی، می‌تواند ابعاد مهمی از منطق اداره مالی این دولت را روشن سازد.

جامعهٔ عرب پیش از اسلام با مفهوم «اموال عمومی» به‌معنای نهادی آن آشنا نبود و منابعی مانند مراتع، آب‌ها و غنائم در چارچوب منطق قبیله‌ای و بر اساس قدرت و منزلت اجتماعی تصاحب و توزیع می‌شد. در چنین

---

1. Colin Pidgeon, Methods of Budgeting, p.3.
2. B. Guy Peters, The Politics of Bureaucracy, p.236.

ساختاری، مالکیت عمومی معنا نداشت و بهره‌مندی از منابع تابع زور و وابستگی قبیله‌ای بود. با شکل‌گیری دولت نبوی و تأسیس بیت‌المال، الگویی نو از حکمرانی مالی پدید آمد که منابعی چون غنائم، زکات، فیء و جزیه را به‌عنوان اموال عمومی تعریف می‌کرد. طبیعی بود که این نهاد جدید با مقاومت‌ها و سوءتفاهم‌هایی روبه‌رو شود؛ ازاین‌رو اعتراض‌ها و تنش‌های مربوط به نحوهٔ توزیع بیت‌المال را باید نشانهٔ گذار از منطق قبیله‌ای به نظم عمومی و عدالت‌محور حکمرانی نبوی دانست، نه صرفاً غلبه زیاده‌خواهی‌ها و رانت‌جویی‌های جامعهٔ اسلامی اولیه.

فضای اقتصاد سیاسی حاکم بر بیت‌المال دولت نبوی در شرایطی شکل گرفت که پیش‌تر منابع عمومی در اختیار قبائل قدرتمند بود و افراد ضعیف سهم اندکی داشتند. بزرگان قبائل با برخورداری از حق حِمی، مراتع اختصاصی داشتند و در مراتع دیگران نیز شریک می‌شدند.[۱] ملاک‌های مالکیت جاهلی که بر نفع شخصی، تعدّی و تصرفات ظالمانه استوار بود، تخصیص منابع را به سود ثروتمندان و زورمندان جهت می‌داد.[۲] قبائل با تسلط بر مراتع و اراضی، چاه‌های آب را نیز تصاحب کرده و دیگران را محروم می‌ساختند.[۳] غنائم جنگی نیز بر اساس قدرت و منزلت اجتماعی تقسیم می‌شد و رؤسای قبائل برای خود حقوقی چون مِرباع، صفایا، نَشیطه و فضول قائل بودند.[۴]

با آغاز غزوات، ذی‌نفع بودن رزمندگان در غنائم موجب اختلاف و اعتراض شد. در بدر، اختلاف میان کسانی که نزد پیامبرﷺ بودند و کسانی که دشمن را تعقیب کردند، بالا گرفت و شجاعان انتظار تقدم داشتند؛ اما تقسیم بالسویه پیامبرﷺ اعتراض سعد بن ابی‌وقاص را در پی داشت.[۵] در احد، ترک محل نگهبانی برای دستیابی به غنائم ـ بر خلاف دستور صریح حضرت ـ موجب غافلگیری لشکر اسلام شد.[۶] درباره اموال بنی‌نضیر یا بخشی از خیبر که بدون درگیری به دست آمد، اعتراض به عدم تقسیم سبب نزول آیه فیء و واگذاری اختیار آن به پیامبرﷺ شد.[۷]

بر اساس آیهٔ ۵۸ سورهٔ توبه، برخی ثروتمندان به نحوه تقسیم صدقات اعتراض می‌کردند و استدلال می‌کردند که خود با مال و جان جنگ را تقویت می‌کنند، اما صدقات به نیازمندان می‌رسد.[۸] برخی این اعتراضات را مربوط به

---

۱. مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج۱۹، ص۳۴۳؛ عزالدین ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج۲، ص۸۰؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج۹، ص۲۶۷؛ ج۱۰، ص۱۵۸ و ۲۴۱.

۲. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج۱، ص۲۸۳.

۳. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۷، ص۱۱۴ و ۱۱۶؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج۱، ص۲۷۴.

۴. محمد بن مکرم ابن‌منظور، لسان العرب، ج۷، ص۴۱۴و۴۱۵؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج۱، ص۲۷۴.

۵. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج۱، ص۲۵۴؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۱، ص۹۹.

۶. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص۴۱۶؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۱، ص۲۲۹و۲۳۰.

۷. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج۹، ص۴۳۰.

۸. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج۱، ص۲۹۸.

غنائم فراوان حنین دانسته‌اند. در این جنگ، حُرقوص بن زهیر به پیامبرﷺ کنایهٔ عدالت زد و نیز بخشش‌های ایشان به اشراف مکه برای تألیف قلوب موجب اعتراض برخی شد، هرچند با گفت‌وگو رضایت انصار جلب گردید.[۱] گزارش ابن‌اسحاق نشان می‌دهد که رزمندگان تا گرفتن ردای پیامبرﷺ نیز پیش رفتند و حضرت تأکید کردند همهٔ غنائم، حتی خمس، میان آنان توزیع می‌شود و چیزی برای خود برنمی‌دارند.[۲]

در کنار این موارد، نمونه‌هایی از رانت‌جویی ذی‌نفوذان نیز دیده می‌شود. گروهی از بنی‌هاشم خواستار انتصاب به عاملیت زکات برای بهره‌مندی از سهم آن شدند، اما پیامبرﷺ یادآور شدند که زکات بر آنان حلال نیست.[۳] فضل فضل بن عباس و عبدالمطلب بن ربیعه نیز درخواست مشابهی داشتند که حضرت رد کردند و تأکید کردند صدقه بر محمد و آل‌محمد حرام است؛ سپس پیشنهاد دادند هزینهٔ ازدواج آنان از محل خمس تأمین گردد.[۴]

بر این اساس، ازآنجاکه نبی مکرمﷺ با اقتصاد سیاسی برجامانده از عصر جاهلی مواجه بودند و بر چالش‌های جدیدی که در طول فرایند بودجه‌ریزی و مدیریت دخل و خرج بیت‌المال بروز می‌کرد نیز باید غلبه می‌یافتند، این سؤال ایجاد می‌شود که دولت نبوی با چه شیوهٔ حکمرانی توانست بر این چالش‌ها فائق آید و بودجه بیت‌المال را به بهینه‌ترین و کاراترین وجه مدیریت کند؟ این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و انجام مطالعات تاریخی و با خوانشی نو از نظام بودجه‌ریزی دولت نبوی به بررسی و استخراج این شیوه حکمرانی نبوی می‌پردازد، که با توجه به اسوه بودن رسول خداﷺ، نتایج آن می‌تواند دربردارنده دلالت‌هایی راهگشا برای نظام بودجه‌ریزی متعارف باشد.

سیره‌نگاران، تاریخ‌نویسان و پژوهشگران از زوایای گوناگونی به سیره نبویﷺ پرداخته‌اند. در مورد نظام دخل و خرج دولت پیامبرﷺ و منابع و مصارف آن آثار مختلفی تألیف شده است.

اجتهادی (۱۳۶۳) در کتاب *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین: از آغاز تا پایان دوره امویان*، الدجیلی (۱۳۷۹) در کتاب *بیت‌المال: پیدایش و تحولات آن* و صدر (۱۳۸۷) در *اقتصاد صدر اسلام*، به بیت‌المال و درآمدهای دولت نبوی و مصارف آن می‌پردازند.

منتظری‌مقدم (۱۳۸۹) در مقالهٔ «شیوه‌های تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام»، کرجی (۱۳۸۰) در مقالهٔ «سیره پیامبر اکرمﷺ در بیت‌المال» و هوشیار و همکاران (۱۳۹۲) در مقالهٔ «سیاست مالی و اداری پیامبر اسلامﷺ در مدینه و زمینه‌های شکل‌گیری بیت‌المال»، در مورد بیت‌المال و نحوه مدیریت آن در عصر نبوی بحث کرده‌اند.

---

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج۵، ص۷۱ـ۷۳؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج۷، ص۱۵۱؛ محمد بن مسعود عیاشی، التفسیر (للعیاشی)، ج۲، ص۹۲.

۲. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۲، ص۴۹۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۴، ص۵۸.

۴. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۶۹۶و۶۹۷.

درخشه و موسوی‌نیا (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به‌طور عام به «مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلامﷺ» پرداخته و هشت مؤلفهٔ قانون‌گرایی، فسادستیزی، شفافیت، رفق و مدارا، عدالت‌محوری، مشارکت‌طلبی، اثربخشی و پاسخ‌گویی را استخراج کرده‌اند.

گرچه پژوهش‌های مذکور به مسئلهٔ بیت‌المال و اداره امور مالی مسلمانان در دولت نبوی و یا شیوه حکمرانی ایشان به بحث و بررسی پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌کدام به‌طور خاص به شیوه حکمرانی رسول خداﷺ بر بودجه بیت‌المال با توجه به اقتصاد سیاسیِ حاکم بر آن ورود نداشته‌اند.

۱. ایجاد فرهنگ همراهی حکومت ـ مردم

یکی از مؤلفه‌های مهم حکمرانی بر بیت‌المال، شکل‌گیری نوعی فرهنگ همراهی میان دولت و جامعه بود که نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش تعارضات مالی و مدیریت انتظارات ذی‌نفعان ایفا می‌کرد. هرچند انگیزه‌های سهم‌خواهانه و گرایش به بهره‌مندی بیشتر از منابع عمومی، همانند سایر جوامع انسانی، در جامعه نوپای اسلامی نیز وجود داشت، اما سیاست فرهنگی پیامبرﷺ به گونه‌ای طراحی شد که هزینهٔ اجتماعی و اخلاقی رانت‌جویی و مطالبه‌گری ناعادلانه را افزایش دهد. این سیاست با بازسازی نظام ارزشی و انگیزشی جامعه و ترویج آموزه‌های قرآنی و دینی محقق شد. درنتیجه، سهم‌خواهی افراطی و تعرض به بیت‌المال، به‌تدریج به رفتاری ناسازگار با هویت ایمانی و اجتماعی مسلمانان تبدیل گردید. حضرت حتی پیش از تشکیل دولت، تلاش کردند خوی غارت‌گری و تعدّی به اموال شخصی و عمومی را از جامعهٔ مدینه بزدایند. در سال دوازدهم بعثت، یثربیان دو قبیلهٔ اوس و خزرج در جمره عقبه بیعت کردند و پیامبرﷺ آنان را متعهد به اطاعت و پرهیز از غارت اموال یکدیگر نمودند.[۱] سپس مُصعَب بن عُمیر به مدینه فرستاده شد تا پیشاپیش معارف قرآنی و دینی که شامل دستورات اجتماعی و مالی نیز می‌شد را آموزش دهد.[۲]

در چنین فضایی، بخشی از آنچه در منابع تاریخی به‌صورت ایثار گزارش شده است، درواقع کارکردی فراتر از یک فضیلت فردی داشت و به‌عنوان سازوکاری اجتماعی در خدمت حکمرانی مالی قرار گرفت. برای نمونه، هنگامی‌که رسول اکرمﷺ در ماجرای اموال بنی‌نضیر، صلاح را در اختصاص این منابع به مهاجران نیازمند دیدند و نظر انصار را جویا شدند، انصار رضایت قلبی خود را اعلام نمودند.[۳] این ایثار، عملاً فشار مالی بر بیت‌المال را کاهش داد و امکان تخصیص هدفمند منابع را فراهم ساخت؛ چنان‌که پیش‌تر نیز با اسکان مهاجران و واگذاری اموال و زمین‌های خود، بار تأمین معیشت آنان را از دوش دولت برداشته بودند.[۴]

---

۱. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۱، ص۴۲۸–۴۳۸.

۲. همان، ج۱، ص۴۳۴.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج۹، ص۴۳۰.

۴. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج۱، ص۵؛ ابوالفرج حلبی شافعی، السیرة الحلبیه، ج۲، ص۱۲۱؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج۲۷، ص۳۰۵.

همچنین، پیامبرﷺ با هشدارهای مکرر نسبت به دلبستگی به دنیا و رقابت بر سر آن، تلاش می‌کردند از تبدیل منابع عمومی به کانون منازعه‌های اجتماعی جلوگیری کنند.[۱] این مجموعه سیاست‌ها موجب شد حکمرانی بر بیت‌المال، در حوزهٔ تأمین منابع، تخصیص مصارف و نظارت، با کمترین هزینهٔ اجتماعی و بالاترین میزان همراهی عمومی انجام گیرد. شفافیت، امانت‌داری و پرهیز شخص پیامبرﷺ از هرگونه انتفاع ویژه، به‌عنوان رأس هرم حکمرانی، نیز نقش مهمی در ایجاد اعتماد عمومی و تقویت این همراهی ایفا کرد.

۲. کاربست ظرفیت‌های مردمی در اداره بیت‌المال

در حکمرانی دولت نبوی بر بیت‌المال، مردم و نمایندگان آنان به‌عنوان ظرفیت‌های اجرایی و نظارتی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. این کاربست، بخشی از سازوکار دولت برای جمع‌آوری، مدیریت و توزیع منابع مالی بود و امکان اجرای مؤثر سیاست‌های مالی و اجتماعی را فراهم می‌کرد. در این چارچوب، نقش مردم در اجرای دستورات، مدیریت محلی و شبکه نماینده‌ای به وضوح دیده می‌شود، بدون آنکه خود آنان تصمیم‌گیرنده مستقل در تخصیص منابع باشند.

۱ـ۲. کارگزاران مالی و اجرای حکمرانی منابع

در نظام اداری دولت نبوی، افراد متعددی در مناصب مربوط به بیت‌المال گماشته شدند تا اجرای سیاست‌های مالی و مدیریت منابع را بر عهده بگیرند. برای نمونه، بلال بن ریاح حبشی مسئول نفقات بود،[۲] أسامه نگهبانی از رحل پیامبرﷺ را بر عهده داشت[۳] و بلال بن حارث اداره چراگاه حیوانات زکوی و نظامی را بر عهده داشت.[۴] همچنین معاذ بن جبل، حذیفة بن یمان، علاء بن حضرمی، عمرو بن عاص و دیگران به‌عنوان کارگزار در دریافت و توزیع زکات و جزیه در یمن، بحرین، عمان، دباء و سایر مناطق فعالیت می‌کردند.[۵]

کارگزاران مالی مدیریت دریافت و هزینه‌کرد بخشی از زکات را بر اساس دستور پیامبرﷺ انجام می‌دادند. امام صادقؑ گزارش می‌دهد که رسول خداﷺ زکات بادیه‌نشینان را میان فقرای بادیه‌نشین و زکات شهرنشینان را میان فقرای همان منطقه تقسیم می‌کردند.[۶] این کار در مناطق مختلف توسط نمایندگان و

---

۱. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج۱۷، ص۲۵؛ مسعود بن عیسی ورّام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج۱، ص۱۳۲.

۲. ابوبکر بیهقی، السنن الکبری، ج۶، ص۱۳۳؛ احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج۱، ص۴۵۵.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج۹، ص۲۲۵.

۴. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۴۲۵.

۵. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۲۶۳ و ۲۹۰؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج۱، ص۲۶۳.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۳، ص۵۵۴.

عاملان مالی حضرت انجام می‌شد و ایشان در نامه‌ها و دستورات خود توصیه می‌کردند که زکات از ثروتمندان جمع‌آوری و میان فقرا توزیع شود.[۱]

۲ـ۲. کاربست توانمندی مردم در اجرای پروژه‌ها

پیامبرﷺ به توانمندی مردم در اجرای امور اعتماد داشتند. پروژه‌هایی بودند که با بودجه بیت‌المال تأمین می‌شد، اما اجرای آن به مردم واگذار می‌گردید. در جنگ احزاب، با پیشنهاد سلمان، خندق برای مقابله با دشمن حفر شد و حضرت ابزارآلات موردنیاز را از قبیله بنی‌قریظه عاریه گرفتند تا مردم آن را اجرا کنند و در مدت شش روز خندق طولانی حفر شد.[۲] نمونهٔ دیگر، ساخت منجنیق توسط سلمان برای نبرد طائف است که مردم در اجرای پروژه مشارکت داشتند.[۳]

۳ـ۲. شبکهٔ نماینده‌ای نقیب و عریف

پیامبرﷺ در سال سیزدهم بعثت و قبل از هجرت، با پیمان عقبه مقدمات حکمرانی مردمی خود را فراهم کردند. در این چارچوب، دوازده نقیب از میان أوس و خزرج به‌عنوان واسطه میان حضرت و مردم مدینه تعیین شدند.[۴] نقیب رئیس عریفان بود. هر عریف سرشناس و آگاهِ یک گروه ده نفره بود و مردم تحت نظارت او عمل می‌کردند؛ عریفان زیر نظر نقیب‌ها و نقیب‌ها تحت هدایت پیامبرﷺ بودند.[۵] در جنگ خیبر و حنین نیز برای هر ده نفر یک عریف تعیین شد.[۶] این شبکه هرمی مدیریتی، دولت نبوی را بر جمع‌آوری و توزیع منابع مالی قادر می‌ساخت.

۳. بودجه‌ریزی بر مبنای عدالت و حقوق عامه

در حکمرانی پیامبرﷺ بر بودجه بیت‌المال حق همهٔ افراد و گروه‌ها به‌طور عادلانه دیده می‌شد. ابن‌هشام نقل می‌کند ایشان هنگامی که عمرو بن حزم را به‌عنوان کارگزار تبلیغی و مالی به یمن می‌فرستند، در نامه‌ای او را به پیروی از حق و حرکت بر مدار آن در تمام امور توصیه می‌کنند.[۷] خودِ حضرت نیز وقتی از سوی ذی‌نفعان غنائم متهم به حق‌کُشی و بی‌عدالتی می‌شوند خودشان را از ترس، که نتیجهٔ آن عقب‌نشینی در مقابل زیاده‌خواهی دیگران است، مبرّا می‌کنند.[۸] در این راستا، رسول خداﷺ به اقدامات زیر دست زدند:

---

۱. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۲۶۳ و ۲۹۰؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج۱، ص۲۶۳.

۲ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۴۴۵ و ۴۵۳.

۳ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج۲۵، ص۶۷.

۴ عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۱، ص۴۳۴؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج۱، ص۲۷۲.

۵. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج۲۵، ص۱۹۹–۲۱۰.

۶. حسن بن یوسف حلی، تذکرة الفقهاء، ج۹، ص۲۷۰؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج۲۵، ص۲۰۱.

۷. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۲، ص۵۹۴و۵۹۵.

۸. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۲، ص۴۹۲.

۱ـ۳. پایه‌گذاری نظام سهم‌بری

با تشریع یک نظام قاعده‌مند برای تقسیم و هزینه‌کرد غنائم، رسول خداﷺ خدمات نظامیان و رزمندگان را با تعیین سهم مشخص برای سواره‌نظام و پیاده‌نظام جبران می‌کردند.[۱] این شیوه سهم‌بری علاوه بر کارکردهایی که در انگیزه‌افزایی، رفع مشکلات معیشتی و حفظ شأن و عزت رزمندگان داشت، باب هرگونه زیاده‌خواهی و نفع‌طلبی ذی‌نفعان را می‌بست و ملاک تخصیص منابع را بر حسب استحقاق قرار می‌داد، نه نسب و شرف و مکانت اجتماعی. در قالب همین شیوه، به زنان و بردگان حاضر در جنگ مقداری صلاحدیدی از غنائم داده می‌شد.[۲] جعاله‌هایی که پیامبرﷺ به جهت مصالح مرتبط با اهداف جنگ منعقد می‌کردند نیز به‌صورت بخشی از غنائم از اصل آن پرداخت می‌شد.[۳]

۲ـ۳. وضع قوانین ضد انحصار

در دورهٔ جاهلی، مراتع و چراگاه‌ها و بالتبع، منابع آبی درون آن، اختصاص به اشراف و بزرگان قبائل داشت.[۴] اسلام مالکیت‌های عمومی و دولتی را در کنار مالکیت خصوصی به رسمیت شناخت و برهمین‌اساس، پیامبر اکرمﷺ حِمی و قُرُق چراگاه را در اختیار دولت اسلامی قرار داد[۵] و دست آن ذی‌نفعان را از تخصیص منابع عمومی برای منافع شخصی کوتاه نمود. حضرت بنابر صلاحدید گاهی این مراتع را به بعضی افراد و قبائل واگذار می‌کردند؛ نظیر واگذاری‌هایی که در مستندات تاریخی برای بنی‌قره، بنی‌أسد، اهل جُرَش، عمرو بن سلمه و غیره ثبت شده است.[۶] برخی از مراتع مانند نقیع را نیز برای مرکب‌های مسلمانان و مجاهدان و چهارپایان زکات و جزیه قرق می‌کردند.[۷] ازاین‌رو تصاحب زورمدارانه و انحصارگرایانه جای خود را به توزیع عادلانه بر مبنای استحقاق و نیاز و مصالح عمومی داد.

تحت قانون احیاء بهره‌برداری از اراضی ملی و عمومی ضابطه‌مند گردید و همهٔ افراد جامعه با شرایطی حق بهره‌برداری از این منابع را پیدا کرده و ذی‌نفع شدند.[۸] گزارش‌های زیادی وجود دارد که پیامبرﷺ

---

۱. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۲۸؛ قاسم بن سلاّم ابوعبید، الاموال، ج۱، ص۲۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۵، ص۴۵؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۶۸۵؛ محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، الکبری، ج۸، ص۲۹۳.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۱، ص۱۰۱؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج۲۱، ص۱۸۶.

۴. عزالدین ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج۲، ص۸۰؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج۹، ص۲۶۷؛ ج۱۰، ص۱۵۸ و ۲۴۱.

۵. ملامحسن فیض کاشانی، الوافی، ج۱۸، ص۱۰۰۶.

۶. عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، ج۲، ص۵۸۸؛ محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۲۶۷.

۷. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۵، ص۲۷۷؛ ابوزید ابن‌شبه، تاریخ المدینه، ج۱، ص۱۵۵ و ۱۵۶.

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۵، ص۲۸۰.

زمین‌هایی را نیز برای مصارف کشاورزی و مسکونی به نیازمندان إقطاع و واگذار نمودند، که به دلیل گستردگی مجالی در اینجا برای ذکر آن نیست.[۱]

در قاعده‌گذاری دیگری، در راستای انحصارزدایی و تخصیص عادلانه منابع آبی، پیامبرﷺ آب را جزء مشترکات عمومی اعلام کرده و از محروم نمودن دیگران از مازاد آب نهی نمودند.[۲] رسول‌اللهﷺ حکم کردند که اهل مدینه نباید از انتفاع عمومیِ جوی‌های نخل ممانعت کنند و اهل بادیه نیز (به‌خاطر استفاده انحصاری از مرتع و گیاه) نباید مانع استفاده دیگران از مازاد آب شوند.[۳] از امام صادقؑ روایت شده است که رسول‌اللهﷺ از بیع نِطاف (فروش مازاد سهمیهٔ آب کشاورزی) و أربِعاء (فروش مازاد آب آبیاری زمین) نهی کرده و می‌فرمودند رایگان در اختیار دیگران قرار گیرد.[۴] البته در اینجا اختلاف‌نظر فقهی وجود دارد و بعضی از فقها این نهی را حمل بر کراهت کرده‌اند.[۵] کرده‌اند.[۵] کما اینکه پیامبرﷺ هنگام واگذاری آب‌های ثماد، أصیهب و جراد به حُصین بن مُثمت شرط می‌کنند که دیگران را از مازاد آب منع نکند و آب را نفروشد.[۶] در این زمینه، رسول خداﷺ در اقدامی دیگر چاه‌ها و چشمه‌های زیادی را به افراد مختلف واگذار نمودند.[۷]

۳ـ۳. میانه‌روی در هزینه‌کرد

قرآن کریم برای مسئلهٔ انفاق، دو طرف اسراف و إقتار را مطرح کرده و حالت میانه «قَوام» را معرفی می‌کند.[۸] این افراط و تفریط می‌تواند مصارف و هزینه‌ها در اموال شخصی و عمومی را دربر بگیرد. در مصرف بودجهٔ بیت‌المال نه باید بر مردم سخت گرفته شود و نه به اسراف و ریخت‌وپاش منجر گردد. در برخی گزارش‌ها آمده است که پیامبرﷺ نزد بلال که مسئول نفقات ایشان بود،[۹] مقداری خرما مشاهده کردند. حضرت از بلال پرسیدند: «اینها چیست؟»، او در جواب گفت: این مقدار خرما را برای شما و مهمانان شما ذخیره کردم. رسول خداﷺ با بیان اینکه با این کار از آتش جهنم ایمن نیستی، فرمودند: «انفاق کن و از خداوند صاحب عرش، ترسِ إقلال (یا إقتار)؛ یعنی تنگدستی و

---

۱. ر.ک. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۲۷۴–۲۶۷؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج۳، ص۵۲۲–۴۳۳.
۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۲۵، ص۴۱۷؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۳، ص۲۸۳؛ ج۱۷، ص۱۱۴.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۵، ص۲۹۳.
۴. همان، ص۲۷۷.
۵. ر.ک. سیدمحمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیتؑ، ج۱، ص۳۶۵؛ ج۸، ص۵۶۹.
۶. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج۲، ص۱۱۷؛ احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج۲، ص۷۹.
۷. ر.ک. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۲۶۶ به بعد؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج۱، ص۱۴؛ احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج۲، ص۷۹ ؛ ج۴، ص۳۸۵ و یاقوت حموی، معجم البلدان، ج۲، ص۷۴ و ۱۱۷.
۸. فرقان: ۶۷.
۹. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج۱۴، ص۱۳۱و۱۳۲.

کم شدن نفقه، نداشته باش».[۱] در تقسیم غنائم حنین نیز پیامبرﷺ به ذی‌نفعان اعلام می‌کنند که در وجود مبارک ایشان بُخلی نیست و در تقسیم بیت‌المال و حقوق عمومی کم نمی‌گذارند.[۲]

رسول خداﷺ در مصرف و هزینه‌کرد بودجهٔ بیت‌المال اهل اسراف و تبذیر نیز نبودند. در روایاتی آمده است که حضرت به صنف‌های هشت‌گانه زکات، به اندازهٔ نیاز و مخارج یک سال آنها از زکات پرداخت می‌کردند.[۳]

۴. مدیریت ذی‌نفعان

یکی از تدابیر مهم رسول اکرمﷺ در جهت حکمرانی بر بودجهٔ بیت‌المال، مدیریت ذی‌نفعان بود که در قالب اقدامات زیر انجام پذیرفت:

۱ـ۴. تبیین و توجیه ذی‌نفعان

تبیین، اقناع و واکنش منطقی یکی از روش‌هایی بود که رسول خداﷺ در مقابل چانه‌زنی‌ها و سهم‌خواهی‌ها انجام می‌داد. در غزوه حنین طبق برخی گزارش‌ها، وقتی انصار از نحوه تقسیم غنائم توسط حضرت رسولﷺ و بخشش آن به بزرگان مکه از باب تألیف قلوب، ناراضی بودند، حضرت با آنها سخن گفتند. ایشان با تبیین چرایی این نحوهٔ توزیع و با بیان کرامت و ایثار انصار در مسیر اسلام قلب آنها را نرم و خشنود ساختند.[۴] ابن‌هشام می‌نویسد: در همین نبرد، وقتی شخصی از پیامبرﷺ سؤال می‌کند که چرا به عُیَینة بن حِصن و أقرع بن حابس شتران زیادی بخشیدی، ولی به جُعیل بن سُراقه چیزی ندادی؟ حضرت سؤال او را بدون پاسخ نمی‌گذارد و با بیان اینکه این بخشش از جهت تألیف قلوب بوده، روش توزیع خود را تبیین می‌کنند.[۵] در صحنهٔ دیگری، وقتی سهم‌خواهان غنائم به شیوه‌ای دور از ادب و احترام از رسول اکرمﷺ مطالبهٔ غنیمت می‌کنند، حضرت باز به روش تبیین روی می‌آورند و با بیان اینکه شما من را به بخل، ترس و دروغ‌گویی نشناخته‌اید، خودشان را از هرگونه خیانت در تقسیم غنائم و تصرف شخصی در اموال عمومی مبرّا می‌کنند.[۶] در گزارش دیگری، وقتی اموال جزیه‌ای بحرین به مدینه می‌رسد و موجب مسرّت انصار می‌شود، پیامبرﷺ درعین‌حال که به حق آنها در این اموال احترام می‌گذارد، آنان را از رقابت بر سر دنیا و آمال قرار دادن منافع دنیوی پرهیز می‌دهند[۷] و از این طریق، طریق، رفتارها و کنش‌های نفع‌طلبانه آنها را در مسیر درست مدیریت و تعدیل می‌کنند.

---

۱. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار، ج۱، ص۱۸۳؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج۱، ص۳۴۰ و ۳۵۹؛ ج۱۰، ص۱۵۵.

۲. عبدالملک بن هشام، السیرة النبویه، ج۲، ص۴۹۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۵۳۹؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۹، ص۲۶۶.

۴. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج۷، ص۱۵۱؛ محمد بن مسعود عیاشی، التفسیر (للعیاشی)، ج۲ ص۹۲.

۵. عبدالملک بن هشام، السیرة النبویه، ج۲، ص۴۹۶.

۶. عبدالملک بن هشام، السیرة النبویه، ج۲، ص۴۹۲.

۷. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج۱۷، ص۲۵؛ مسعود بن عیسی ورّام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج۱، ص۱۳۲.

۲ـ۴. مصرف بودجه در منطقهٔ ذی‌نفعان

نشان‌دار کردن و صرف بخشی از درآمدهای بیت‌المال در همان منطقه‌ای که این درآمدها وصول می‌شود می‌تواند انگیزهٔ مضاعفی به مؤدیان برای پرداخت مالیات بدهد؛ چراکه مردم در عمل می‌بینند که پرداخت مالیات و حقوق واجب شرعی به بهبود وضعیت آنها و ارائهٔ خدمات اجتماعی منجر شده است. امام صادقؑ از شیوهٔ رسول اکرمﷺ چنین روایت می‌کند که ایشان همواره زکات بادیه‌نشینان را میان فقرای بادیه‌نشین و زکات شهرنشینان را میان فقرای آنجا تقسیم می‌کرد.[۱] در مکتوبات پیامبرﷺ به نمایندگان و کارگزاران مالی خود در مناطقی مانند عمان، یمن و بحرین ذکر شده است که از ثروتمندان آن مناطق زکات اخذ و به فقرای آنها داده شود.[۲]

۳ـ۴. ایجاد مشترکات عمومی

افراد و گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ می‌توانستند به منابع عمومی دست یابند و بیشتر از حق و نیاز خود از این منابع بهره بگیرند. رسول خداﷺ منابعی مانند آب، آتش و مرتع را مشترک بین مردم دانستند و استفاده دیگران از مازاد این منابع را محدود نکردند.[۳] البته این رویکرد به‌معنای الغای مالکیت خصوصی نیست، بلکه تضمین دسترسی عادلانه به منابعی است که به نفع عموم هستند و جلوگیری از ایجاد رانت یا انحصار توسط افراد خاص را هدف دارد.

۴ـ۴. تقسیم عادلانه و ضدطبقاتی

انحرافاتی که پس از نبی مکرمﷺ در نحوهٔ هزینه‌کرد بیت‌المال ایجاد شد و اعتراضاتی که از سوی امیرالمؤمنینؑ و سایر ائمهؑ به این شیوه انحرافی صورت گرفت،[۴] حکایت از سیرهٔ پیامبرﷺ در تقسیم عادلانه و ضدطبقاتی بیت‌المال دارد که باب هرگونه طمع‌ورزی‌های منفعت‌طلبانه و استحقاق‌های توهمی را می‌بست. خلیفهٔ دوم با تشکیل دفاتر حقوق و عطایا برای بیت‌المال،[۵] معیارهای طبقاتی و نژادی را در تقسیم اموال عمومی در پیش گرفت.[۶] او سوابق افراد را در اسلام در نظر می‌گرفت[۷] و عرب را بر عجم، مهاجرین را بر انصار، قُرَشی را بر غیرقرشی و آزاد را بر برده برتری می‌داد.[۸] حضرت علیؑ وقتی به خلافت رسید این دفاتر تبعیض‌آمیز را از بین برد

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۳، ص۵۵۴.

۲. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۲۶۳و۲۹۰؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج۱، ص۲۶۳.

۳. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۳، ص۲۴۳؛ ج۱۷، ص۱۱۴؛ ابوبکر بیهقی، السنن الکبری، ج۶ ص۴۹۹.

۴. محمد بن حسن طوسی، التهذیب الاحکام، ج۶ ص۱۴۶.

۵. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، ج۱، ص۴۷؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۱۵، ص۱۰۸.

۶. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۱۵۴.

۷. محمد بن حسن طوسی، التهذیب الاحکام، ج۶ ص۱۴۶.

۸. عبدالحمید بن هبةالله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۸، ص۱۱۱.

و با تقسیم بالسویه بیت‌المال راه را بر منفعت‌طلبی ثروتمندان و نفوذ سیاسیون مسدود کرد.[۱] ایشان در اعتراض طلحه و زبیر به این نحوهٔ تقسیم، عمل خویش را به سنت پیامبرﷺ مستند نمود.[۲]

۵ـ۴. قراردادهای رقابتی و ضدّ رانت

رزمندگان و جنگاوران انگیزهٔ زیادی برای به دست آوردن وسائل شخصی کسی دارند که او را می‌کشند یا به اسارت می‌گیرند؛ به‌ویژه آنکه آن شخص از افراد نام‌آور و معروف باشد. همین انگیزه می‌تواند موجب اختلاف لشکر بر سر این نوع از غنائم بشود. پیامبرﷺ با بیان جملهٔ «مَنْ قَتَلَ قَتِیلاً فَلَهُ سَلَبُهُ»[۳] در قالب قرارداد جعاله بین رزمندگان رقابت ایجاد می‌کرد و با پرداخت اختصاصی سَلَب (ابزار جنگی، لباس‌ها و سایر وسایل شخصیِ دشمن مقتول[۴]) به کُشنده دشمن، نفوذ گروه‌های ذی‌نفع و انگیزه رانت‌جویی آنان را کاهش می‌دادند.

۵. ایجاد شبکه نظارتی دولتی ـ مردمی

رسول خداﷺ با بهره‌گیری از ظرفیت دولت و ملت، شبکه‌ای نظارتی ایجاد نمودند که زمینهٔ فساد، ویژه‌خواری و اخلال در فرایند دخل و خرج را تا حد زیادی از بین می‌برد.

۵ـ۱. نظارت بر کارگزاران مالی

ازآنجاکه مسائل بیت‌المال و مسئولیت‌های مالی آن با حقوق الهی و مردمی سروکار داشت، رسول خداﷺ در ابتدای امر کسانی که طالب یا حائز شرایط این مسئولیت بودند را از حساسیت‌ها و جوانب آن آگاه می‌کردند و هشدار می‌دادند. از پیامبر اکرمﷺ روایت شده است که ایشان وظیفهٔ سنگین و خطیر عریف، که کارکرد کارگزاریِ مالی و اجتماعی داشت، را تذکر داده و می‌فرمود: «کسی که مسئولیت عرافت قومی را می‌پذیرد، روز قیامت در حالی وارد می‌شود که دستانش به گردنش بسته است؛ اگر در میان مردم به امر و فرمان خدا عمل کرد رها می‌شود، وگرنه در آتش دوزخ سقوط می‌کند».[۵] بیهقی نقل می‌کند هنگامی‌که پیامبرﷺ عُبادة بن صامت و سعد بن عباده را برای دریافت زکات می‌فرستاد آنها را توصیه به تقوا کرده و برحذر داشتند از اینکه مبادا اموال زکوی روز قیامت وبال گردن آنها گردد. آنها نیز وقتی سنگینی بار این مسئولیت را دیدند از پذیرش آن صرف‌نظر کردند.[۶]

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۵۸.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۵.

۳. محمد بن علی ابن‌شهرآشوب مازندرانی، مناقب آل ابی‌طالب، ج۲، ص۱۱۷؛ ابوبکر بیهقی، السنن الکبری، ج۶، ص۵۰۰و۵۲۶.

۴. سیدمحمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت‌ﷺ، ج۳، ص۴۹۵.

۵. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۳.

۶. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج۶، ص۵۶۹؛ ابوبکر بیهقی، السنن الکبری، ج۴، ص۲۶۷.

وقتی افراد و یاران پیامبرﷺ علی‌رغم خطیر بودن، مسئولیتی را بر عهده می‌گرفتند، حضرت مستمراً آنها را نصیحت می‌کردند و بر کار آنها نظارت داشتند. *تحف‌العقول* روایتی از پیامبرﷺ نقل می‌کند که ایشان هنگام فرستادن معاذ بن جبل به یمن در ضمن سفارشی مفصل، او را به تقوای الهی، وفای به عهد، ادای امانت و ترک خیانت توصیه می‌کنند.[۱] بعضی از منابع اهل‌سنت چند مورد از این سفارش‌ها و نظارت‌ها را گزارش کرده‌اند. به نقل از سنن إبن‌ماجه، رسول اکرمﷺ تعدی‌کننده به زکات را مانند نپردازنده و مانع زکات دانسته‌اند.[۲] بیهقی از حضرت نقل می‌کند که «گماشتگان و کارگزاران مالی ما باید اموال کم و زیاد را به ما تحویل دهند و اگر به اندازه یک سوزن مخفی و اختلاس کنند در روز قیامت پاگیر آنها خواهد شد».[۳] در گزارشات دیگری آمده است که نبی اکرمﷺ شخصی را برای کارگزاری زکات گماشتند. وقتی کار به اتمام رسید آن شخص اموالی را خدمت حضرت آورد و گفت فلان مقدارش مال زکوی و برای شماست و فلان مقدار دیگر به من هدیه داده شده است. پیامبرﷺ از این سخنِ عامل زکات برآشفتند و فرمودند: «حالِ این کارگزاری که او را برای انجام کار فرستادیم چه می‌شود؟ اگر در خانه‌اش می‌نشست این هدیه به او داده می‌شد؟! این اموالی که کارگزاران مالی می‌آورند مسئولیتش روز قیامت بر عهده آنهاست (و باید پاسخگو باشند).[۴]

گاهی پیامبر اکرمﷺ کسی را به‌عنوان واسطهٔ خود با کارگزاران مالی و سرپرست آنان قرار می‌داد. در مورد مُعاذ بن جبل گزارش شده است که او علاوه بر اینکه مسئول دریافت جزیه بود، حضرت مسئولیت سرپرستی عاملان دریافت زکات در یمن را نیز به او سپرد و معاذ همواره از منطقه‌ای به منطقه دیگر و از کارگزاری به کارگزار دیگر برای قبض زکوات، در رفت‌وآمد بود.[۵] این جایگاه معاذ لازمه‌اش مشارکت در امر کنترل و نظارت بر آن کارگزاران در دریافت و توزیع زکات بود.

۲ـ۵. پیگیری فسادهای مالی

رسول خداﷺ در اجرای حدود الهی، به‌ویژه در مفاسدی که به اموال عمومی ارتباط داشت قاطعیت داشتند. ایشان دست سارق و تعدی‌کننده به اموال دیگران را قطع می‌کردند.[۶] روشن است که اموال بیت‌المال که حق عمومی در آن است از حساسیت و دقت بالاتری برخوردار بود. در گزارشات آمده است که جمعی از بنی‌ضَبّه از بیماری خود نزد

---

۱. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ج۱، ص۲۵.

۲ محمد بن یزید قزوینی ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، ج۳، ص۲۷.

۳. ابوبکر بیهقی، السنن الکبری، ج۷، ص۲۴.

۴. قاسم بن سلام ابوعبید، الاموال، ج۱، ص۳۳۸؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج۸، ص۱۳۰؛ ج۹، ص۷۰.

۵. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج۱، ص۸۳و۸۴؛ قاسم بن سلام ابوعبید، الاموال، ج۱، ص۲۵۹؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج۱، ص۴۴ و ج۲، ص۵۷۸ و۵۷۹.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۷، ص۲۲۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

پیامبرﷺ شکوه کردند، حضرت آنها را به بیرون از مدینه در مرتعی که شتران زکات آنجا نگهداری و تغذیه می‌شد، فرستاد تا برای درمان از شیر و سایر فواید آن شتران تغذیه کنند. آنها بعد از بهبودی و سلامت، نگهبانان آنجا را کشتند و شتران را به سرقت بردند. وقتی پیامبرﷺ از حادثه آگاه شدند، آنها را دستگیر و قصاص کردند.[۱]

در مواردی نیز نظارت پیامبرﷺ ابقاء یا عزل کارگزار را به دنبال داشت. برخی منابع تاریخی گزارش می‌کنند که رسول اکرمﷺ علاء بن حضرمی را به سوی منذر بن ساوی پادشاه و حاکم بحرین فرستاد و او را دعوت به اسلام کرد. وقتی خبرِ مسلمان شدن منذر به حضرت رسید، ایشان در نامه‌ای او را بر حکومت بحرین ابقا می‌کنند و می‌نویسند: «تا زمانی که اهل صلاح باشی، تو را عزل نمی‌کنم». پیامبرﷺ از منذر می‌خواهد که از یهودیان و مجوسیان جزیه دریافت و نزد خود نگهداری نماید تا نمایندگان مالی حضرت برای دریافت آن به او مراجعه کنند.[۲] در گزارش دیگری، ولید بن عقبه برای دریافت زکات به قبیلهٔ بنی‌مصطلق فرستاده می‌شود، اما دست خالی برمی‌گردد و به پیامبرﷺ می‌گوید: مردم آن قبیله از دادن زکات سر باز زدند. این گزارش نادرست، حضرت را بر آن داشت که با این اقدام قبیله مقابله کنند. در این هنگام آیهٔ نبأ[۳] نازل شد و به مؤمنان سفارش کرد در مورد گزارشات افراد فاسق بررسی و تحقیق کنند. رسول اکرمﷺ بعد از آگاهی از گزارش خلافِ واقع ولید، او را عزل و طبق برخی نقل‌ها عباد بن بشر را جایگزین وی نمودند.[۴]

۳ـ۵. حسابرسی اموال

پیامبرﷺ همواره در مورد محاسبهٔ اموال بیت‌المال دقت و حساسیت داشتند. این محاسبه به شکل حسابرسی از کارگزاران، دقت در تخمین‌زنی، ثبت و ضبط اموال و... صورت می‌گرفت. بخاری نقل می‌کند: پیامبرﷺ فردی به نام إبن‌لُتبِیَّه را بر زکات‌های قبیله بنی‌سُلَیم گماشت. هنگامی‌که برگشت، حضرت از او حساب کشیدند.[۵] همچنین، نبی اکرمﷺ فردی به نام حذیفه را برای دریافت زکات به کار گرفتند. وقتی اموال زکوی را نزد حضرت آورد، از او پرسیدند چیزی از زکات کم شده است؟ حذیفه گفت تمام آن را آوردم، مگر بزغاله‌ای که دخترم برای خودش برداشت. وقتی پیامبرﷺ او را از آتش جهنم ترساند، متأثر و نادم شد و آن بزغاله را برگرداند.[۶] رسول اکرمﷺ هنگام جمع‌آوری غنائم به لشکریان توصیه می‌کردند حتی نخ و سوزن غنیمتی را پنهان نکنند و برگردانند.[۷] ابن‌هشام می‌نویسد: بعد از نبرد حنین

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۷، ص۲۴۵؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج۳، ص۳۲۳.
۲. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۲۶۳و۲۷۶.
۳. حجرات: ۶.
۴. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۲، ص۱۶۱؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج۹، ص۲۲۰.
۵. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج۲، ص۱۳۰.
۶. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج۶، ص۵۶۸.
۷. همان، ج۴، ص۳۹۵-۳۹۳.

منادی صدا می‌زد هرکس چیزی از غنائم گرفته، گرچه نخ و سوزن باشد، برگرداند. عقیل بن ابی‌طالب با شنیدن آن، سوزن خیاطی که از وسائل دشمن برداشته و به همسرش داده بود را پس گرفته و داخل غنائم انداخت.[۱]

مقدار اموال و درآمدهای بیت‌المال نظیر خرما، کشمش و... توسط افراد خارص و تخمین‌زنی مانند عبدالله بن رَواحه که توسط رسول اکرمﷺ گماشته می‌شدند، برآورد می‌شد.[۲] مبنای کار بر عدالت،[۳] آسان‌گیری[۴] و خودداری از از اندازه گرفتن محصول پست و نامرغوب بود.[۵] به‌جهت حسابرسی دقیق، اموال بیت‌المال ثبت و ضبط می‌شد. حُذَیفَة بن یمان تخمین محصولات باغی، زبیر بن عوام و جَهم (جُهَیم) بن صلت اموال زکوی و مُعَیقیب بن أبی‌فاطمه دوسی غنائم پیامبرﷺ را ثبت می‌کردند.[۶] در کنار اینها، واگذاری دارایی‌های دولت در قالب إقطاعات زمین زمین برای کشاورزی و مسکن نیز ثبت و ضبط می‌شد.[۷]

در برخی گزارشات آمده است که رسول اکرمﷺ حیوانات زکوی را علامت‌گذاری می‌کردند.[۸] این کار که به خاطر شناخته شدن حیوان و اینکه به چه جهتی (زکات، صدقه یا جزیه) گرفته شده است، صورت می‌گرفت،[۹] می‌تواند در راستای حسابرسی دقیق اموال بیت‌المال ارزیابی شود.

۴ـ۵. کنترل و نظارت عمومی

بنا بر برخی نقل‌ها، گزارشات مردمی به رسول‌اللهﷺ در مورد عملکرد یک مسئول و کارگزار، در ابقاء یا عزل او مؤثر بوده است. پیامبرﷺ علاء بن حضرمی را به‌عنوان نماینده و کارگزار مالی خود به همراه دستوراتی مکتوب درباره دریافت زکات به بحرین فرستاد. ابن‌سعد گزارش می‌دهد که حضرت در نامه‌ای از علاء می‌خواهد بیست نفر از قبیلهٔ عبدالقیس را به حضور ایشان بفرستد. وقتی آن افراد به حضور نبی اکرمﷺ رسیدند، از علاء شکایت کردند. حضرت نیز وی را عزل و أبان بن سعید را جایگزین نمودند.[۱۰]

---

۱. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج۲، ص۴۹۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۵، ص۲۶۷؛ عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج۲، ص۳۵۴؛ محمد بن یزید قزوینی ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، ج۳، ص۳۴.

۳. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج۲، ص۳۵۶.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۲۴۱.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۴، ص۴۸.

۶. محمد بن علی ابن شهرآشوب مازندرانی، مناقب آل ابی‌طالب، ج۱، ص۱۶۲؛ علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الاشراف، ج۱، ص۲۴۶؛ احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج۱، ص۶۲۵.

۷. ر.ک. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۲۷۴–۲۶۷؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج۳، ص۵۲۲–۴۳۳.

۸. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج۷، ص۹۷؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج۲، ص۲۸۳؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج۱۵، ص۴۵۶.

۹. سیدمحمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیتﷺ، ج۳، ص۵۷۴.

۱۰. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۴، ص۲۶۶و۲۶۷.

همچنین، شبکهٔ مردمی نقابت و عرافت نیز می‌تواند خود گویای یک نظام نظارتی مردمی بر نحوهٔ توزیع بیت‌المال باشد. توزیع زکات یا غنائم توسط عریفان، هم مشارکت در مدیریت بودجهٔ بیت‌المال بود و هم می‌توانست کارکرد نظارتی داشته باشد.[۱]

۶. شفافیت و صداقت در گزارش‌دهی

شفافیت و صداقت در ادارهٔ بیت‌المال، یکی از مؤلفه‌های مهم حکمرانی دولت نبوی بود که نقش بازدارنده‌ای در برابر سوءاستفاده و منازعات مالی ایفا می‌کرد. هرچند ابزارهای فنی شفافیت به شکل امروزی وجود نداشت، اما پیامبر اکرمﷺ با اعلام عمومی منابع و مصارف و گزارش صادقانه از اولویت‌های هزینه‌کرد، امکان آگاهی و نظارت اجتماعی را فراهم می‌ساختند. این رویکرد، زمینهٔ رانت‌جویی و سهم‌خواهی ناعادلانه را به‌طور معناداری محدود می‌کرد.

۱ـ۶. داده‌ها و اطلاعات

در دولت نبوی، مردم آگاهی داشتند که چه درآمدهایی وارد بیت‌المال می‌شود و وظایف مالی آنان چیست؟ منابع بیت‌المال از سوی پیامبرﷺ به‌طور کامل تشریع و تشریح می‌شد. رسول خداﷺ منابع و درآمدهایی مانند انفال، غنائم، خمس، زکات مال و بدن، جزیه، خراج و انفاقات مردمی را به‌عنوان منابع بودجه در نظر گرفتند. موارد و نصاب وجوب این درآمدها نیز به‌طور شفاف از طریق شخص رسول خداﷺ و نمایندگان ارسالی ایشان به مناطق مختلف شبه‌جزیره به مردم اطلاع‌رسانی می‌شد.[۲] به‌طور نمونه، مسلمانان و افراد ذی‌نفع بودجه آگاه بودند که زکات مال با نصاب معین به غلات أربعه (گندم، جو، کشمش و خرما)، نقدین (طلا و نقره) و أنعام ثلاثه (گاو، گوسفند و شتر) تعلق می‌گیرد،[۳] حاکم اسلامی قبل از تقسیم غنائم، خمس آن را جدا می‌کند[۴] و یا اهل ذمّه بنا بر صلاحدید حاکم مبلغ مشخصی را بابت جزیه باید بپردازند.[۵]

در مورد هزینه‌کرد بودجه نیز به‌طور شفاف رفتار می‌شد و مردم از محل‌های مصرف منابع آگاهی کافی داشتند. آیات خمس،[۶] زکات،[۷] أنفال[۸] و فیء[۹] توسط رسول خداﷺ به مسلمانان ابلاغ می‌شد و اطلاعات کامل را در مورد

---

۱. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج۲۵، ص۲۱۰-۱۹۹.
۲. محمد بن حسن طوسی، التهذیب الاحکام، ج۴، ص۳و۵؛ محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۳۲۷؛ ج۲، ص۱۶۱.
۳. محمد بن حسن طوسی، التهذیب الاحکام، ج۴، ص۳و۵؛ حمید بن مخلد خراسانی ابن‌زنجویه، الأموال، ج۲، ص۷۹۸.
۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۵۳۹؛ محمد بن حسن طوسی، التهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۲۸.
۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۳، ص۵۶۶؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج۱، ص۸۶ و ۹۹-۹۳.
۶. نفال: ۴۱.
۷. توبه: ۶۰.
۸. انفال: ۱.
۹. حشر: ۷.

نحوهٔ مصرف منابع درآمدی بودجه در اختیار مردم قرار می‌داد. با آگاهی‌بخشی و شفاف‌سازی پیامبرﷺ، ذی‌نفعان غنائم اطلاع داشتند که قبل از تقسیم آن باید مواردی نظیر صفوه،[۱] جعاله‌های تعیین‌شده،[۲] سَلَب ـ که به قاتل دشمن تعلق می‌گیرد ـ[۳] رَضخ ـ که به زنان، بردگان و کافران پرداخت می‌شود ـ[۴] هزینه‌های مربوط به حفظ و حمل غنائم[۵] و خمس آن[۶] جدا شود.

آموزه‌های اقتصادی و مالی قرآن کریم و گفتار و رفتار پیامبر اکرمﷺ در اختیار مردم قرار داشت و توسط نمایندگان و مبلغان پیامبرﷺ به نقاط مختلف شبه‌جزیره ابلاغ می‌شد. تقسیم غنائم در مرأی و منظر رزمندگان و مجاهدان پس از اتمام نبرد صورت می‌گرفت و چیزی از آنها مخفی نمی‌ماند.[۷] در بسیاری از اوقات رسول خداﷺ اموال بیت‌المال را در مسجد و پس از نماز، در حضور مردم تقسیم می‌نمود.[۸] این روش پیامبرﷺ به‌طور شفاف اطلاعات و داده‌ها را در مورد نوع درآمد و مصرف بودجه به مردم منتقل و هزینه‌های سهم‌خواهی، رانت‌جویی و نفع‌طلبی بودجه را کم می‌کرد. همچنان‌که ثبت و ضبط واگذاری دارایی‌های دولت در إقطاعات زمین برای کشاورزی و مسکن،[۹] به شفاف‌سازی بودجه می‌انجامید و نشان می‌داد این طرح و اقدام از چه منبعی تأمین مالی شده و به چه مصارفی رسیده است.

پیامبرﷺ در گزارش خودشان از نحوهٔ هزینه‌کرد بودجهٔ بیت‌المال شفاف و صادق بودند. بنا بر نقل ابن‌هشام حضرت وقتی از سوی ذی‌نفعان غنائم در موضع اتهام قرار می‌گیرند، خود را صادق معرفی کرده و از دروغ‌گویی و گزارش خلاف واقع مبرّا می‌کنند.[۱۰] گاهی مانند غزوهٔ حنین، اولویت اقتضا می‌کرد که رسول خداﷺ بخشی از غنائم را برای تألیف قلوب صرف کنند[۱۱] و یا مانند غزوهٔ بنی‌نضیر، فیء را به مهاجرین که نیازمند بودند، اختصاص دهند.[۱۲] نبی مکرمﷺ این اولویت و ضرورت را صادقانه با ذی‌نفعان در میان می‌گذاشتند.

---

۱. محمد بن حسن طوسی، التهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۲۸.

۲. محمدبن‌عمر واقدی، المغازی، ج۱، ص۱۰۱؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج۲۱، ص۱۸۶.

۳. ابوبکر بیهقی، السنن الکبری، ج۶، ص۴۹۹؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج۲۱، ص۱۸۶.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۵، ص۴۵؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۶۸۵.

۵. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج۲۱، ص۱۹۱.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۵۳۹؛ محمد بن حسن طوسی، التهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۲۸.

۷. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج۱، ص۲۵۴؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۱، ص۹۹.

۸. مسعود بن عیسی ورّام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج۱، ص۱۳۲؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج۱، ص۹۱؛ سلیمان بن احمد احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج۱۷، ص۲۵.

۹. ر.ک. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۲۷۴–۲۶۷؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج۳، ص۵۲۲–۴۳۳.

۱۰. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج۲، ص۴۹۲.

۱۱. محمد بن مسعود عیاشی، التفسیر (للعیاشی)، ج۲، ص۹۲؛ عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج۲، ص۴۹۶.

۱۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج۹، ص۴۳۰.

۲ـ۶. پاسخ‌گویی مسئولانه به مردم

خداوند در چند آیه از قرآن، پیامبرﷺ را در قبال پرسش‌های مردم (یَسْئَلُونَکَ) موظف به پاسخ‌گویی (قُلْ) می‌کند.[۱] برخی از این پرسش‌ها مربوط به مسائل مالی بوده است. در آیهٔ ۲۱۵ بقره وقتی مسلمانان می‌پرسند که چه چیزی انفاق کنند؟ رسول خداﷺ در پاسخ مأمور می‌شوند که مصارف انفاق را برشمارند. وقتی آنها در مورد انفال می‌پرسند، خداوند حضرت را موظف می‌کند در پاسخ به آنها به‌طور شفاف انفال را مختص خدا و رسولش اعلام نماید.[۲] بعضی تفاسیر نزول این آیه را برای جنگ بدر می‌دانند که به‌خاطر جمعیت زیاد سهم‌خواهان و نیز حضور همزمان جنگاوران و پیران ناتوان، این سؤال مطرح شد که پیامبرﷺ به چه شیوه‌ای می‌خواهد غنائم را تقسیم نماید.[۳]

پیامبر اکرمﷺ در مواجهه با ابهام یا اعتراض ذی‌نفعان نسبت به نحوهٔ تقسیم غنائم، با تبیین مبنای شرعی تصمیمات و اعلام صریح اولویت‌ها، به شفاف‌سازی اقدام می‌کردند. توضیح هزینه‌کرد غنائم از باب تألیف قلوب در حنین و دفاع صریح از سلامت شخصی در مصرف بیت‌المال، نشان‌دهنده پاسخ‌گویی فعال و پیشگیرانه ایشان در برابر سوءبرداشت‌هاست.[۴]

نتیجه‌گیری

بازخوانی سیرهٔ نبوی در حوزهٔ ادارهٔ مالی و مدیریت بیت‌المال نشان می‌دهد که حکمرانی نبوی از الگویی منسجم و چندبعدی در مدیریت مالی برخوردار بوده است که در بستر خاص اقتصاد سیاسیِ گذار از جامعهٔ قبیله‌ای به نظم اسلامی شکل گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیامبر اکرمﷺ با آگاهی از زمینه‌های انحصار، نابرابری و سهم‌خواهی برجامانده از عصر جاهلی و نیز چالش‌های نوپدید جامعهٔ اسلامی، مجموعه‌ای از تدابیر فرهنگی، حقوقی و نهادی را به‌کار گرفتند که در مجموع، هزینه رانت‌جویی و تصرف ناعادلانه در اموال عمومی را افزایش می‌داد. ایجاد فرهنگ همراهی حکومت ـ مردم، ترویج ایثار و خیرخواهی اجتماعی، و پیوند دادن رفتار مالی با هویت ایمانی، نقش مهمی در تعدیل انگیزه‌های نفع‌طلبانه و کاهش تعارضات مالی ایفا کرد.

در سطح نهادی، حکمرانی دولت نبوی واجد نوعی مشارکت مردمی هدایت‌شده بود. کارگزاران مالی محلی، شبکهٔ نقابت و عرافت، و واگذاری اجرای برخی امور به مردم، نشان می‌دهد که دولت ضمن حفظ نقش تنظیم‌گر و ناظر، از ظرفیت‌های اجتماعی در جمع‌آوری، توزیع و نظارت بر بیت‌المال بهره می‌گرفت. این شیوه، هم کارایی ادارهٔ مالی را افزایش می‌داد و هم اعتماد و همراهی عمومی را تقویت می‌کرد.

---

۱. بقره: ۲۱۵؛ مائده: ۴؛ اعراف: ۱۸۷؛ انفال: ۱؛ اسراء: ۸؛ کهف: ۸۳؛ طه: ۱۰۵.

۲. انفال: ۱.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج۱، ص۲۵۴؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج۴، ص۴۲۵.

۴. محمد بن مسعود عیاشی، التفسیر (للعیاشی)، ج۲، ص۹۲؛ عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج۲، ص۴۹۶ و ۴۹.

عدالت و رعایت حقوق عامه نیز محور اساسی این حکمرانی بود. پایه‌گذاری نظام قاعده‌مند سهم‌بری، وضع مقررات ضدانحصاری در بهره‌برداری از منابع عمومی، انحصارزدایی از آب و مرتع، و التزام به میانه‌روی در هزینه‌کرد، مانع از تبدیل بیت‌المال به ابزار امتیازدهی طبقاتی و منافع شخصی ذی‌نفوذان می‌شد و تخصیص منابع را بر مبنای استحقاق، نیاز و مصالح عمومی سامان می‌داد.

در مواجهه با چانه‌زنی‌ها و اعتراض‌های ذی‌نفعان، پیامبرﷺ راهبرد تبیین، تعامل و پاسخ‌گویی مسئولانه را در پیش گرفتند. شفاف‌سازی منابع و مصارف، توضیح صریح اولویت‌های هزینه‌کرد و نظارت دقیق بر کارگزاران مالی، همراه با پیگیری فسادهای مالی و حسابرسی اموال، چارچوبی از حکمرانی شفاف و پاسخگو را شکل داد که سلامت مالی بیت‌المال را تضمین می‌کرد.

در مجموع، حکمرانی دولت نبوی بر بیت‌المال را می‌توان الگویی تاریخی از حکمرانی مالی عدالت‌محور، مشارکتی و کارآمد دانست که در آن، ارزش‌های دینی، تدبیر نهادی و مشارکت اجتماعی به‌صورت مکمل عمل می‌کنند. این تجربهٔ تاریخی نشان می‌دهد که حتی در فقدان ابزارهای فنی مدرن، می‌توان با ترکیب فرهنگ‌سازی، قاعده‌گذاری، شفافیت و نظارت اجتماعی، منابع عمومی را در مسیر تحقق مصالح جمعی مدیریت کرد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۷۴.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبةالله، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا.

ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل أبی‌طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.

ابن‌اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۵ق.

ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الإصابة فی تمییز الصحابه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

ابن‌زنجویه، حمید بن مخلد خراسانی، *الأموال*، بیجا، مرکز الملک فیصل للبحوث والدراسات الإسلامیه، ۱۴۰۶ق.

ابن‌سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۰م.

ابن‌شبه، ابوزید، *تاریخ المدینه*، جده، عام النشر، ۱۳۹۹ق.

ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۳۶۳ق.

ابن‌ماجه، محمد بن یزید قزوینی، *سنن ابن ماجه*، بی‌جا، دار الرسالة العالمیه، ۱۴۳۰ق.

ابن‌منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.

ابن‌هشام، عبدالملک، *السیرة النبویة*، بیروت: دارالمعرفة، بی‌تا.

ابوعبید، قاسم بن سلاّم، *الأموال*، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.

اجتهادی، ابوالقاسم، *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی*، تهران، سروش، ۱۳۶۳.

احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الرسول*، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۹ق.

بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، دمشق، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.

بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، قاهره، مکتبة النهضة المصریه، ۱۹۵۶م.

بیهقی، ابوبکر، *السنن الکبری*، چ سوم. بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.

ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، تحقیق عبدالزهراء حسینی، قم، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسهٔ آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.

حلبی شافعی، ابوالفرج، *السیرة الحلبیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

حلی، حسن بن یوسف، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسهٔ آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.

حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.

زبیدی، مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، قم، دار الفکر، بی‌تا.

الدجیلی، خوله شاکر، *بیت‌المال: پیدایش و تحولات آن*، ترجمهٔ محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹.

درخشه، جلال و موسوی‌نیا، سیدمهدی، «مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیرهٔ حکومتی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله»، ۱۳۹۷، *پژوهش‌های علم و دین*، ش۱۷، ص۱ـ۲۸.

صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ق.

طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، چ دوم. قاهره، مکتبهٔ ابن‌تیمیه، ۱۴۱۵ق.

طبرسی، علی بن حسن، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، بی‌جا، مکتبة الفقیه، بی‌تا.

طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.

طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ق.

عاملی، سیدجعفرمرتضی، *الصحیح من سیرة النبی الأعظم*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.
علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۶۸م.
عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر (للعیاشی)*، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ق.
فیض کاشانی، ملامحسن، *الوافی*، اصفهان، مکتبة الإمام امیرالمؤمنین علی، ۱۴۰۶ق.
قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
کرجی، علی، «سیره پیامبر اکرم در بیت‌المال»، ۱۳۸۰، *فرهنگ کوثر*، ش۴۹، ص۱۱۱ـ۱۲۵.
کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ق.
متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، چ پنجم، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق.
مسعودی، علی بن حسین، *التنبیه و الإشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دار الصاوی، بی‌تا.
منتظری مقدم، حامد، «شیوه‌های تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام»، ۱۳۸۹، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۲ (۱)، ص ۱۷۱–۱۳۷.
نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ق.
نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل*، بیروت: مؤسسهٔ آل‌البیت لإحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، دار الأعلمی، ۱۴۰۹ق.
ورّام، مسعود بن عیسی، *تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورّام)*، قم، مکتبة الفقیه، بی‌تا.
هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت*، چ دوم، قم، مؤسسهٔ دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۵ق.
هوشیار، فریناز و همکاران، «سیاست مالی و اداری پیامبر اسلام در مدینه و زمینه‌های شکل‌گیری بیت‌المال»، ۱۳۹۲، *پژوهش‌های علوم انسانی*، ش۱۷ (۴)، ص ۹۶–۸۳.
یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
Peters, B. Guy, The Politics of Bureaucracy (An Introduction to Comparative Public Administration). sixth edition, London & New York, Routledge, Taylor & Francis Group, 2014.
Pidgeon, Colin, Methods of Budgeting ،Research Officer, Research and Library Service. Northern Ireland Assembly, 2010.